

# امتحانات متمرکز تکمیلی (سطح ۳)

نمره صوری: ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۱۷	ساعت اکتوب: ۸۰ دقیقه
نمره صوری: ساعت برگزاری: ۱۰ صبح	نمره: ۲۰	ساعت اکتوب: ۹۰ دقیقه

شماره یا نام مصحح اول	نمره بر عدد	نمره بر حرف
شماره یا نام مصحح دوم	نمره بر عدد	نمره بر حرف

نیم سال اول ۹۵-۹۶

رشته فقه ورودی مهر ۹۴

مهر مدرسه

کد آزمون:	۳۹۵۱/۰۲
تاریخ:	۱۳۹۵/۱۰/۲۰
عنوان:	فقه ۴
کتاب:	دروس تمهیدیه فی الفقه الاستدلالی
مجموعه:	جلد دوم: بیع (ص ۱۰۶-۱۱)

نام و نام خانوادگی: ..... نام پدر: ..... کد ملی: ..... مدرسه علمیه: ..... شهرتان: ..... استان: .....

۱- معیار صدق عنوان عقد بر ایجاب و قبول بنا بر فرض اعتبار موالات از نظر «شیخ انصاری» و «مصنف» به ترتیب کدام است؟ ص ۱۶ و ۱۷

۰/۵

- الف. عدم انفکاک خلع و لبس - عدم محذوریت در تمسک به اطلاق ادله امضاء
- ب. عدم محذوریت در تمسک به اطلاق ادله امضاء - عدم تخلخل فصل طویل
- ج. عدم اعراض موجب از ایجاب - عدم انفکاک خلع و لبس
- د. عدم تخلخل فصل طویل - عدم اعراض موجب از ایجاب

۲- هر کدام از عبارات «اعتبار الملكية من حین العقد یثبت بعد تحقق الاجازة» و «بالاجازة تترتب آثار الملكية من حین العقد دون نفسها» بیانگر تعریف چه نوع کشفی می باشد؟ ص ۳۶

۰/۵

- الف. انقلابی - حکمی
- ب. حقیقی - حکمی
- ج. حکمی - حقیقی
- د. حکمی - انقلابی

۳- آیا خیار مجلس در غیر بیع جاری می شود؟ چرا؟ ص ۴۴

۰/۵

- الف. نعم؛ لارتکاز ضمنی
- ب. لا؛ لقصور المقتضی
- ج. نعم؛ للسیرة العقلانیة
- د. لا؛ لانصراف الادلة منه

۴- بنا بر نظر مصنف حکم صرف بر اوراق نقدی جریان دارد یا خیر؟ چرا؟ ص ۷۹

۰/۵

- الف. بله؛ به دلیل تعلق قصد حقیقی به معامله با طلا و نقره
- ب. بله؛ به دلیل اعتبار اوراق نقدی با پشتوانه طلا
- ج. خیر؛ به دلیل طلا یا نقره نبودن اوراق نقدی
- د. خیر؛ به دلیل عدم جواز تقابض اوراق نقدی

۵- از نظر مصنف مقتضای قاعده در «بیع ما اشتراه سلفا علی غیر بآئنه قبل حلول الاجل» چیست؟ ص ۸۵

۰/۵

- الف. الجواز تبعاً لاشتراط الضمنی
- ب. عدم الجواز تنزلاً الی الاحتیاط
- ج. الجواز بشرط ارادة الاجل یزید علی السابق او یساویه
- د. عدم الجواز بشرط انحصار المستند فی الاجماع المدعی

۶- از نظر مصنف، مفاد روایت «سألته عن المیسر قال: الثقل من کل شیء قال: و الثقل ما یخرج بین المتراهنین من الدرهم» بیانگر کدام گزینه است؟ ص ۱۰۵

۰/۵

- الف. کراهة اللعب و العوض فی اللعب بآلات القمار المتداولة و غیر المتداولة
- ب. حرمة العوض فی اللعب بغير آلات القمار مع افتراض وجود الرهن
- ج. ابتناء الحرمة علی الاحتیاط اذا كان اللعب بآلات القمار المتداولة
- د. حرمة اللعب بغير آلات القمار مع افتراض وجود الرهن

۷- با توجه به عبارت «یلزم فی المتعاقدين: البلوغ إذا لم یکن دورهما دور الآلة» دلیل استثنای آلیت متعاقدين را بنویسید. ص ۲۴ و ۲۷ - ۲

۲

جواب: دلیل استثنای آلیت این است که اگر دو فرد بالغ بر معامله ای اتفاق کنند و فرد غیر بالغ را فقط جهت اجراء عقد وکیل نمایند در این صورت معامله ای انجام شده متعلق به غیر بالغ نیست تا حکم به عدم نفوذ معامله شود بلکه معاوضه به وسیله دو فرد بالغ انجام شده است. و یا حداقل این است که حکم به عدم نفوذ معاملات غیر بالغ از این صورت، انصراف دارد. بنا بر این اطلاق ادله امضاء مانند اجل الله البیع، شامل حالت آلیت توسط غیر بالغ نیز می شود و در آن مورد بلوغ شرط نیست.

۸- چگونه استدلال به آیه شریفه «لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض منکم» (نساء: ۲۹) بر بطلان عقد فضولی را همراه با نظر مصنف درباره این استدلال توضیح دهید. ص ۳۲ - ۲

۲

جواب: آیه شریفه بنا بر مقتضای مفهوم حصر (تنها سبب برای اباحه اکل مال غیر؛ تجارت همراه با تراضی است) یا مفهوم وصف (تجارت با تراضی سبب برای اباحه اکل مال غیر است) دلالت می کند بر اینکه در غیر تجارت ولو همراه با تراضی یا تجارت بدون تراضی، سببی برای اباحه اکل مال غیر وجود ندارد و معامله فضولی نیز تجارت بدون تراضی است.

مصنف: زمانی که مالک معامله را اجازه می دهد تجارت منتسب به او می شود و در این صورت، بر آن تجارت عن تراض صدق می کند.

۹- ضمن تبیین عبارت «مع استقرار التعارض بین الروایات الدالة على اختصاص خيار الحيوان بالمشتري و ما دلّ علی ثبوته للبائع يتعیّن الحكم باختصاص خيار الحيوان بالمشتري أيضاً إما لترجيح القسم الاول باعتبار موافقة الكتاب أو التساقط و الرجوع الى القاعدة» دلیل حکم را بنویسید. ص ۴۶ و ۴۷ - ۲ نمره

۲

جواب: در صورتی که بین روایات دال بر اختصاص خيار حيوان به مشتری و روایات دال بر ثبوت خيار حيوان برای مشتری و بايع تعارض مستقر (غير بدوی) حاصل شود باز هم حکم این است که خيار حيوان، مختص مشتری است زیرا روایات دسته اول با آیه شریفه اوفوا بالعقود موافق است که بر لزوم تمام عقدها از طرف بايع دلالت دارد بجز زمان خيار مجلس، لذا این دسته روایات ترجیح داده می‌شود یا اینکه پس از تساقط دو دسته روایات، اقتضای قاعده این است که روایات خيار مجلس بر لزوم عقد از طرف بايع و مشتری پس از جدا شدن از مجلس عقد دلالت دارد و این قاعده فقط نسبت به مشتری حيوان، تخصیص یقینی خورده است و در مورد بايع در بيع حيوان همچنان پا برجاست.

۱۰- بهترین تقریب از نظر مصنف در تبیین خيار غبن را بنویسید. چرا خيار غبن از حین عقد ثابت است؟ ص ۵۵ - ۲ نمره

۲

جواب: از نظر مصنف تمسک به شرط ضمنی بهترین تقریب در تبیین خيار غبن است به این طریق که هر عاقد عاقلی به صورت ضمنی برای خودش در ضمن عقد شرط می‌کند که اگر مغبون واقع شد و تفاوت ثمن معیوب و سالم، فاحش بود دارای خيار باشد.

خيار غبن از حین عقد ثابت است زیرا آنچه که به صورت ضمنی شرط شده، ثبوت خيار در صورت ثبوت واقعی غبن است هر چند غبن ظاهر نشده باشد.

۱۱- استدلال قائلین به عدم ثبوت خيار تأخیر به روایت «الرجل يشتري من الرجل المتاع ثم يدعه عنده فيقول: حتى أتیک بئمنه. قال: إن جاء فيما بينه وبين ثلاثة أيام و إلا فلا بيع له.» را همراه با پاسخ مصنف از آن بنویسید. ص ۶۰ - ۲ نمره

۲

جواب: قائلین به عدم ثبوت خيار تأخیر اینگونه استدلال می‌کنند که عبارت «و إلا فلا بيع له» بیانگر این است که بيع یا از اساس باطل است یا پس از سه روز و در هر دو صورت، خيار تأخیر ثابت نمی‌شود. جواب استدلال: هدف از این روایت این است که کار برای بائعی که کالا را فروخته ولی ثمن آن را دریافت نکرده است، سخت نشود و اگر خواست بتواند معامله را فسخ نماید و این هدف با ثبوت خيار و نفی لزوم از طرف بائع ثابت می‌شود نه اینکه اصل معامله ابطال شود. علاوه بر اینکه برای بائع این حق ثابت است که اگر بخواهد می‌تواند بیشتر از سه روز، تا هر وقتی که خواست صبر کند تا مشتری ثمن را بیاورد.

۱۲- حکم و دلیل معامله سلف در فرضی که عوضین طلا و نقره باشند را در دو فرض اختلاف و اتحاد در جنس بنویسید. ص ۷۹ و ۸۱ - ۲ نمره

۲

جواب: در فرض اختلاف عوضین جایز نیست زیرا: در این صورت معامله، بيع صرف است و صحت بيع صرف مشروط به تقابض ثمن و مبيع قبل از افتراق می‌باشد و چون در این معامله مبيع قبض نمی‌شود، معامله باطل می‌باشد.

در فرض اتحاد عوضین هم جایز نیست: زیرا محذور ربا وجود دارد بنابر اینکه به تعمیم منع نسبت به زیادی حکمیه قائل شویم. علاوه بر اینکه معامله، بيع صرف است که تقابض ثمن و مثن قبل از افتراق در آن شرط است.

۱۳- با توجه به عبارت: استدلال على حرمة اللعب بالأت القمار بدون رهن بإطلاق «إنما الخمر والميسرو الانصاب و الازام رجس من عمل الشيطان فاجتنبوه» استدلال و نظر مصنف نسبت به آن را بنویسید. ص ۱۰۲ - ۲ نمره

۲

جواب: استدلال: آیه شریفه «إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ» به طور مطلق بر لزوم اجتناب از میسر دلالت دارد، چه رهن و جایزه‌ای در آن باشد چه نباشد، پس در هر صورت باید از آلات قمار اجتناب کرد.

نظر مصنف: در مواردی که در بازی با آلات قمار رهن و جایزه وجود نداشته باشد، صدق عنوان قمار و میسر مشکوک است، و در صورت شک در صدق میسر و قمار نمی‌توان به اطلاق حرمت میسر و قمار تمسک کرد، زیرا تمسک به اطلاق در موردی است که موضوع صادق باشد و شک در شرط زاید داشته باشیم و با اطلاق آن را دفع کنیم و در اینجا اصل صدق موضوع قمار و میسر مشکوک است.

\* سؤالات زیر مختص طلاب غیر حضوری مکاتبه‌ای می‌باشد:

۱۴- عبارت «الملك الحاصل بالمعاطاة لازم لإستصحاب بقاء الملك و عدم زواله بفسخ أحد الطرفين بدون رضا صاحبه. لا يقال لا يجرى الاستصحاب لان الملك الجائز يجزم بعدم بقاءه و اللازم يشك في اصل حدوثه» را توضیح داده، پاسخ مصنف به اشکال مطرح در عبارت را بنویسید. ص ۲۲ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: بيع معاطاتی عقدی لازم است زیرا هرگاه یکی از طرفین معامله را بدون رضایت طرف مقابل فسخ نماید شک می‌شود که آیا ملکیتی که بواسطه عقد ایجاد شده بود فسخ شد یا هنوز باقی است. استصحاب حکم به بقاء ملکیت می‌کند و این همان معنای لازم بودن عقد است. (۰/۷۵ نمره)

اشکال: استصحاب جاری نیست چون ما یقین داریم که ملک جایز باقی نیست و در لازم هم شک در اصل حدوث ملک است. (۰/۵ نمره)

پاسخ: ما بقای ملک را استصحاب می‌کنیم که به معاطات حادث شده و این از قبیل استصحاب کلی قسم دوم است. (۰/۷۵ نمره)

۱۵- با توجه به عبارت «أما بيع [ما اشتراه سلفاً] على غير بائعه، فالمشهور عدم جواز قبل حلول الأجل في غير المكيل و الموزون؛ لرواية طلحة: لا يباع الدين بالدين» مدلول روایت و اشکال مصنف بر دلالت آن بر حکم مشهور را تبیین نمایید. ص ۸۵ - ۱/۵ نمره

۱/۵

جواب: ظاهر روایت نهی از بيع دين به دين در صورتی است که ثمن و مثن هر دو قبل از این عقد دين باشند [یعنی دو دينی که برای دو نفر متفاوت قبلاً ثابت بوده است، اکنون در بيعی که بین آن دو نفر واقع می‌شود، به عنوان ثمن و مثن در مقابل هم قرار گیرند و مبادله شوند]. و این مطلب شامل بحث ما نمی‌شود، زیرا در اینجا گرچه مبيع دين است و برای مشتری است ولی حالا که مشتری می‌خواهد آن دين را به شخص دیگری بفروشد، ثمنی که از خریدار بگیرد، چیزی نیست که قبل از این عقد دين باشد تا در مقابل دين قرار گیرد و بيع دين به دين محقق شود، بلکه این ثمن به سبب این عقد دين می‌شود. پس مورد بحث ما مصداق روایت نیست.